

The brief historical geography of Azerbaijan

Dr. Huseyn Feyzollahi Vahid

Email:

hosseinfeyzollahi852@gmail.com

Affiliation:

Researcher of history and culture of Azerbaijan

ABSTRACT: Historical geography is a science that deals with the cities and towns of a country or a region as well as a province which were once under the jurisdiction or administrative authority of a province and country or separated from their former center over time and have become a new center. In this way, books with titles of historical geography, such as Iran, Khorasan, Isfahan, etc., have been written.

In the topic of historical geography of Azerbaijan, in addition to the lands under the title of "East and West Azerbaijan Provinces and the Republic of Azerbaijan", provinces and cities that are not under the administrative jurisdiction of Azerbaijan today but were previously considered as annexes (additions) of Azerbaijan, are discussed. In this article, an effort has been made to briefly and usefully address the cities that were once under the citizenship of Azerbaijan, in order to find out that Azerbaijan, like Khorasan, was referred to vast lands, which in its historical process has been reduced to less than half of its former and real extent.

KEY WORDS: Historical geography, Azerbaijan, land

CITATION (APA): Feyzollahi Vahid, H (2023). The brief historical geography of Azerbaijan. Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 01, number 01, autumn 2023.

Azərbaycanın qısa tarixi coğrafiyası

Dr. Huseyn Feyzollahi Vahid

E-poçt:

hosseinfeyzollahi852@gmail.com

Mənsubiyyət:

Azərbaycan tarixi və mədəniyyəti
üzrə tədqiqatçı

ÖZƏT: Tarixi coğrafiya bir zamanlar bir əyalətin və ya ölkənin və ya inzibati hakimiyyəti altında olmuş, daha sonra isə zamanla keçmiş mərkəzindən ayrılmış bir ölkənin, yaxud bölgənin və vilayətin şəhər və qəsəbələri haqqında tanımlamağa məşğul olan bir elmdir. Bu yolla tarixi coğrafiyaya aid kitablar, məsələn: İran, Xorasan, İsfahan və s. Yazılmış.

Azərbaycanın tarixi coğrafiyası mövzusunda "Şərqi və Qərbi Azərbaycan vilayətləri və Azərbaycan Respublikası" adı altında olan ərazilərlə yanaşı, bu gün Azərbaycanın inzibati yerlərinə aid olmayan vilayət və şəhərlərdən də bəhs edilir ki əvvəllər Azərbaycanın əlavələri (əlavələri) sayılırdı. Bu yazıda vaxtilə Azərbaycan içində olan şəhərlərə qısa və faydalı şəkildə baxmağa cəhd edilib; ki desin Azərbaycan da Xorasan kimi öz tarixi prosesində ilkin və real hüdudlarının yarısından da azına enmiş geniş torpaqlara sahib idi.

AÇAR SÖZLƏR: Tarixi coğrafiya, Azərbaycan

CITATION (APA): Feyzollahi Vahid, H (2023). Azərbaycanın qısa tarixi coğrafiyası. Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 01, nömrə 01, payız 2023.

Dr. Hüseyin Faizullahi Vahid

E-posta:

hosseinfazollahi852@gmail.com

Üyelik:

Azerbaycan tarihi ve kültürü
üzerine araştırmacı

Azerbaycan'ın kısa tarihi coğrafyası

ÖZET: Tarihi coğrafya, bir ülkenin şehir ve kasabalarının veya bir zamanlar bir ilin veya ülkenin idari yetkisi veya idari yetkisi altında bulunan, daha sonra zamanla eski merkezlerinden ayrılan bölge ve ilin bilgisiyle ilgilenen bir bilim dalıdır. Ve kendilerinin de yeni bir otoritesi veya merkeziliği var. Bu şekilde İran, Horasan, İsfahan gibi tarihi coğrafya başlıklarını taşıyan kitaplar yazıldı.

Azerbaycan'ın tarihi coğrafyası konusunda "Doğu ve Batı Azerbaycan Vilayetleri ile Azerbaycan Cumhuriyeti" ana başlığı altında toprakların yanı sıra bugün Azerbaycan'ın idari yetkisi altında olmayan ancak daha önce Azerbaycan'ın ilhakları (ilaveleri) olarak kabul ediliyordu. Bu makalede bir zamanlar Azerbaycan'ın hakimiyeti altında olan şehirlere kısa ve faydalı bir şekilde değinilmeye çalışılmış; demek ki, Azerbaycan'ın da Horasan gibi geniş topraklara sahip olmuş tarihsel süreçte asıl ve gerçek sınırlarını kayb etmiştir.

ANAHTAR KELIMELER: Tarihi coğrafya, Azerbaycan

CITATION (APA): Feyzullahi Vahid, H (2023). Azerbaycan'ın kısa tarihi coğrafyası. Urmîye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 01, sayı 01, sonbahar 2023.

مختصری از جغرافیای تاریخی آذربایجان

دکتر حسین فیض اللهی وحید

چکیده:

ایمیل:

hosseinfeizollahi852@gmail.com

وابستگی:

پژوهشگر تاریخ و فرهنگ آذربایجان

جغرافیای تاریخی علمی است، که به شناخت شهرها و قصبات یک مملکت، یا یک منطقه و استان می‌پردازد، که روز و روزگاری در تحت تابعیت، یا حاکمیت اداری یک استان یا مملکتی بوده و بعد طی گذشت روزگار و مرور زمان از مرکز قبلی خویش جدا و خود دارای حاکمیت یا مرکزیت جدید گردیده‌اند. بدین ترتیب کتاب‌هایی نیز با عناوین جغرافیای تاریخی مثلاً: ایران یا خراسان و اصفهان و ... به رشته تحریر درآمده‌اند.

در مبحث جغرافیای تاریخی آذربایجان نیز علاوه بر سرزمین‌های تحت عنوان اصلی «استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و جمهوری آذربایجان» بحث از استان‌ها و شهرهایی می‌شود، که امروزه در تحت تابعیت اداری آذربایجان نیستند، ولی قبلاً از مضافات (اضافه شده‌های) آذربایجان محسوب می‌شدند. در این مقاله کوشش گردیده به شیوه‌ای مختصر و مفید به شهرهایی که روزگاری در تحت تابعیت آذربایجان بوده‌اند؛ پرداخته شود، تا معلوم گردد آذربایجان نیز مثل خراسان به سرزمین‌های وسیعی اطلاق می‌شد، که در پروسه تاریخی خود به کمتر از نصف حدود قبلی و واقعی خود تقلیل یافته‌است.

کلمات کلیدی: جغرافیای تاریخی، سرزمین، آذربایجان

استناد (آپا): فیض اللهی وحید، ح (۱۳۹۲). مختصری از جغرافیای تاریخی آذربایجان. ارومیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" - جلد ۰۱، شماره ۰۱، پاییز ۲۰۲۳.

سرزمینهای آذربایجانی

۱ - ایروان (پایتخت ارمنستان امروزی)

حاج‌زین‌العابدین شیروانی در «بستان‌السیاحه» در زیر مدخل «ایروان» می‌نویسد: «ایروان، وی دارالملک اران، از مضافات آذربایجان است و چخور سعد نیز او را گویند؛ چه در شیب و گودی واقع شده.» (شیروانی، ۱۳۱۵: ۱۲۴) چنانکه از این سند جغرافیایی برمی‌آید؛ در زمانی نه چندان دور ایروان پایتخت امروزی ارمنستان جزء مضافات آذربایجان بود.

از جغرافی‌دانان مسلمان «ابن فقیه» نیز در کتاب مشهور خویش به نام «البلدان» در زیر مدخل «ارمن» می‌نویسد: «ارمن (با فتح اول) بر وزن آرن، ولایتی است از کوهستان آذربایجان و زادگاه شیرین مشهور [همسر خسرو پرویز] آنجا بوده‌است و ابریشم ارمنی منسوب به آنجاست ... اکنون آن ناحیت را ارمنستان گویند.» (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۲۰)

حاج‌زین‌العابدین شیروانی در زیر مدخل «ولایت چخور سعد» باز توضیح دیگری در مورد «ایروان» پایتخت امروزی ارمنستان دارد. وی می‌نویسد: «ولایت چخور سعد، ولایتی است از ایران و از مضافات آذربایجان و دارالاماره ایروان. بعضی گویند چخور سعد همان ایروان است.» (شیروانی، ۱۳۱۵: ۲۱۱)

۲ - تفلیس (پایتخت گرجستان)

شهر تفلیس - پایتخت جمهوری گرجستان - نیز در روزگاران نه چندان دور جزء شهرهای آذربایجان بود و قلقشندی (متوفی ۸۲۱ ق.) نویسنده کتاب مشهور «صبح الاعشی فی صناعه الانشاء» - که در ۱۴ جلد در کشورهای عربی چاپ گردیده و برای نوشتن آن بیست و سه سال زحمت کشیده‌است. - در مورد شهر تفلیس می‌نویسد آنجا «آخرین شهر آذربایجان است.» البته در همان منبع در مورد شهر بردعه نیز که امروزه جزء جمهوری آذربایجان می‌باشد، آمده آنجا نیز «از شهرهای دور دست آذربایجان است.» (قلقشندی، ۱۳۸۰: ۷۴)

در مورد فتح مجدد تفلیس در دوره فترت مابین سلسله زندیه و قاجاریه - که دولت فدرال افشار به مرکزیت ارومی و بعد به پایتختی تبریز به رهبری «محمدقولوخان افشار ارومی» از اتحاد ۱۴ خانلیق آذربایجان از قبیل: خانلیق‌های باکو، گنجه، سراب، مراغه و ... تشکیل شده‌بود؛ در جریان فتح مجدد آن آمده‌است که «محمدقولوخان افشار» نامه‌ای به «آرگلی» حاکم گرجستان نوشت و از او خواست که به اتحادیه خانان آذربایجان بپیوندد و ضمن نامه اشاره کرد: «اگر بخواهید از اکثریت نسبی قفقاز، که مملکت آذربایجان را تشکیل می‌دهد، از این وحدت برخوردار باشید، در این روابط همجواری دست یگانگی به ما با سپردن تعهد که لازمه مبنای تحکیم وحدت است، بدهید.» ولی آرگلی حاکم گرجستان، که به امپراتوری تزاری روسیه پشت‌گرم بود؛ بدین نامه جواب رد داد و گفت: «ما را به دوستی و اتحاد نیازی نیست.» (خوشنویس، ۱۳۸۰: ۱۲۹)

چون جواب نامه قبلاً پیش بینی شده‌بود، لذا «اردوی یورت قزلباش آذربایجان» - که نام ارتش ملی اتحادیه خانان آذربایجان به رهبری محمدقولوخان افشار ارومی بود - برق‌آسا به تفلیس حمله برده و بعد از فتح تفلیس؛ «آرگلی» را دعوت به پیوستن به

اتحادیه خانلیق‌های آذربایجان کردند و آرگلی نیز به ناچار تسلیم و گرجستان دوباره جزء قلمرو آذربایجان گردید. چنانکه از متن نامه رهبر دولت فدرال آذربایجان به آرگلی حاکم گرجستان برمی‌آید، محمدقولوخان افشار «اکثریت نسبی قفقاز» را «مملکت آذربایجان» دانسته و بدین جهت تفلیس را نیز جزء اراضی آذربایجان محسوب و در نامه خویش به اتحاد مجدد تفلیس با تبریز تاکید می‌نماید.

۳ - دربند خزران / دمیر قاپی دربند / باب الابواب / دربند (جمهوری داغستان روسیه)

در «تاریخ بلعمی» یا «گزیده ترجمه تاریخ طبری به انشای ابوعلی محمد بلعمی» در مورد حدود جغرافیای آذربایجان می‌نویسد: «و اول حد از همدان درگیرند ... آخرش به دربند خزران.» (بلعمی، ۱۳۹۰: ۳۳۵)

۴ - قارص (مرکز استان قارص ترکیه)

در کتاب «گنج دانش» نوشته محمدتقی حکیم در مورد شهر «قارص» - که امروزه در ترکیب جمهوری ترکیه واقع می‌باشد. - آمده‌است که شهر قارص تابع حکمران آذربایجان بود. در کتاب فوق‌الذکر درج گردیده‌است: «حکومت تبریز و توابعش از اولین حکومت‌های ممالک ایران محسوب می‌شود. هرکس سپهسالار، یا سردار کل عساکر ایران و جلیل‌القدر و عظیم‌الشان باشد؛ حکمرانی تبریز داشته و ... همیشه باید سه هزار سوار آنجا حاضر باشد و خوانین قارص و ارومیه و مراغه و اردبیل، که یازده هزار سوار در تحت حکومتشان است، مطیع امیر تبریز باشند.» (حکیم، ۱۳۶۶: ۳۵۸)

۵ - ارزنة اروم / ارضروم (مرکز استان ارضروم ترکیه)

محمود میرزای قاجار نویسنده کتاب «سفینه‌المحمود» - که کتابش از سوی «دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز» چاپ و منتشر گردیده‌است؛ در احصاء شهرهای آذربایجان در زمان خویش، آنها را چنین می‌شمارد: «مملکت آذربایجان و تشخیص ولایت آن: در ابتدایش از رودخانه قزل اوزن است ... از طرفی به ارزنة الروم (ارضروم) و دربند معروف.» (میرزای قاجار، ۱۳۴۴: ۶۵۶)

۶ - ارزنجان (ترکیه / مرکز استان ارزنجان)

یاقوت حموی در کتاب مشهور خویش به نام «معجم البلدان» - که به سال ۶۲۳ ق. تألیف کرده‌است. - ارزنجان و زنجان را در غرب و جنوب از شهرهای آذربایجان دانسته و می‌نویسد: «حد آذربایجان از شمال بردعه و از شرق بلاد دیلم و گیلان و از مغرب از زنجان [ارزنجان]، از جنوب بلاد طارم و زنجان است.» (رئیس‌نیا، ۱۳۶۸: ۷۶)

۷ - آستارا و تالش (در استان گیلان)

حدود قلمرو دولت فدرال، بنا به نوشته کتاب «محمدقولوخان افشار ارومی در تشکیل دولت فدرال ملی» به قلم علی خوشنویس، منشی دولت فدرال آذربایجان در دوره فترت بین زندیه و قاجار؛ چنین است: «از متعلقات تالش گرفته، تا آستارا و ... داش قاپو دربند [دمیرقاپی دربند]». (خوشنویس، ۱۳۸۰: ۱۴۳)

۸ - سنندژ (سنندج مرکز استان کردستان)

حدود قلمرو دولت فدرال بنا به نوشته کتاب «محمدقولوخان افشار ارومی در تشکیل دولت فدرال ملی» چنین است: «از متعلقات تالش گرفته، تا آستارا و از ایالت ثلاثه تا صائن قلعه افشار و از سنندژ [سنندج]، سرحدات مکرری [مهاباد]، بابان، لایجان، اشنو، الی گرجستان و ماوراء قفقاز [تا] داش قاپو دربند [دمیرقاپی دربند] و از طرف مشرق تا «خرامدره [خرمدره] و خیرآباد [سلطانیه] تا ابهر رود.» (خوشنویس، ۱۳۸۰، ۱۴۵ - ۱۴۳)

۹ - کردستان (به مرکزیت سنندج)

قاضی احمد قمی در کتاب مشهور خویش به نام «خلاصه التواریخ» در مورد رفتن امیرخان به آذربایجان و توضیح قلمرو آذربایجان می‌نویسد: «امیرخان استدعای رفتن آذربایجان و تعهد نیک و بد آن ولایات، تا نواحی مغان و آران و ایروان و کردستان نمود.» (قمی، ۱۳۶۳: ۷۶۷) که تلویحاً مغان و آران و ایروان و کردستان را در زمان خویش جزء آذربایجان می‌داند.

۱۰ - همدان (مرکز استان همدان)

محمود میرزای قاجار، نویسنده کتاب «سفینه المحمود» در احصاء شهرهای آذربایجان در زمان خویش آنها را چنین می‌شمارد: «مملکت آذربایجان و تشخیص ولایت آن: در ابتدایش از رودخانه قزل اوزن است و انتهایش ... اورمی، صائن قلعه، همدان، اهل آن دیار [همدان] به صداقت معروفند و اغلب ترک‌زبانند.» (میرزای قاجار، ۱۳۴۴، صفحه ۶۵۶) همدان بنا به نوشته کتاب «گنج دانش» پایتخت افراسیاب ترک بود. (حکیم، ۱۳۶۶: ۵۰۶)

۱۱ - زنجان (مرکز استان زنجان)

حاج‌زین‌العابدین شیروانی در کتاب معروف خود به نام «بستان‌السیاحه» - که یک کتاب مشهور جغرافیایی است. - در مورد زنجان می‌نویسد: «زنجان شهرکیست بهجت توامان ... از مضافات آذربایجان» (شیروانی، ۱۳۱۵، ۳۰۳) با توجه به نگارش کتاب در روزگار پادشاهی محمدشاه قاجار، معلوم می‌شود، زنجان دیرزمانی نیست، که از ترکیب آذربایجان خارج گردیده‌است. البته واقعه ۱۳۲۴ شمسی و حاکمیت «ملی حکومت» و قرار گرفتن مجدد زنجان در ترکیب یک ساله آذربایجان نیز نباید از نظرها دور بماند.

حاج‌زین‌العابدین شیروانی سهرود، زادگاه فیلسوف بزرگ شرق، شهاب‌الدین سهروردی، را در ذیل مدخل «سهرود» از «قصبات آذربایجان» می‌داند. (شیروانی، ۱۳۱۵: ۳۱۲) در مورد «سجاس» نیز می‌نویسد: «سجاس قریه است مسروت اساس ... از مضافات آذربایجان ... مردم آنجا ترک و تابع ترک‌منانند. شیخ‌رکن‌الدین [سجاسی] از مشاهیر سلسله صفی‌الدین اردبیلی از آنجا بوده‌است.» (شیروانی، ۱۳۱۵: ۳۰۵)

۱۲ - قزوین (مرکز استان قزوین)

علاوه بر بردعه و بیلقان، بر طبق نوشته کتاب «خریده العجایب و فریده الغرایب»، نوشته سراج‌الدینایی حفص عمر بن الوردی، قزوین نیز جزء شهرهای آذربایجان بوده‌است. (الوردی، ۱۹۸۹: ۸ - ۵)

۱۳ - اردبیل (مرکز استان اردبیل)

محمود میرزای قاجار در نام بردن از شهرهای «مملکت آذربایجان و تشخیص ولایت آن»، اردبیل را جزء شهرهای مملکت آذربایجان نام می‌برد. چنانکه اعتمادالسلطنه نیز در «مرآت البلدان» خود می‌نویسد: اردبیل «از شهرهای آذربایجان، خوی و سلماس و اردبیل می‌باشد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۲۶)

۱۴ - ری (تهران / پایتخت ایران)

ری در قدیم از شهرهای آذربایجان بود و در کتاب «هفت لشکر»، که از کتب طومارهای نقالی است، ری مرز ایران و توران بود. تهران نیز به نوشته کتاب «گنج دانش»، معسکر (عسکرگاه، لشکرگاه و اردوگاه) افراسیاب ترک بود. بعضی از کتب تاریخی بهرام چوبین سردار بزرگ آذربایجانی از خاندان مهرانی را از شهر ری آذربایجان نوشته‌اند، ولی طبق معمول بعضی از مترجمین - از جمله مترجم فارسی تاریخ یعقوبی - سعی در انفکاک او از آذربایجان کرده‌اند. (یعقوبی، ۱۳۷۱)

۱۵ - اران (در جمهوری آذربایجان)

در بعضی از متون تاریخی و جغرافیایی، منطقه واقع در بین رود ارس و رود گر (در جمهوری آذربایجان) را منطقه «اران» یا «الران» و ... دانسته‌اند و بعضی‌ها آنجا را جدا از آذربایجان فرض کرده‌اند. در صورتی که مدارک بسیاری ثابت می‌کند اران یا الران جزء منطقه آذربایجان بوده‌است. مثلاً مسعودی (تولد، حدود ۲۸۳ ق.) در کتاب مشهور خود به نام «مروج الذهب» در مورد کشته شدن افراسیاب در منطقه سرو اران می‌نویسد: «چون جد کیخسرو، که افراسیاب پسر پشنگ ... پسر ترک بود؛ در دیار سرو اران آذربایجان کشته شد ...» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۲۷) در چاپ عربی کتاب نیز از آن به صورت «الران من بلاد آذربایجان» (مسعودی، ۱۳۰۳: ۱۰۰)؛ یعنی، «الران از شهرهای آذربایجان» سخن به میان آمده و نشان می‌دهد اران منطقه‌ای از آذربایجان بوده‌است. غیاث‌الدین رامپوری نیز در کتاب خویش به نام «فرهنگ غیاث‌اللغات»، «اران» را ملکی از املاک آذربایجان می‌داند و می‌نویسد: «اران ملکیت از ولایت آذربایجان.» (رامپوری، ذیل ماده آران) محمد بن خلف تبریزی مؤلف کتاب مشهور و معروف «برهان قاطع» نیز اران را نام ولایتی از آذربایجان دانسته و در این باره می‌نویسد: «اران به تشدید ثانی بر وزن پران نام ولایتی است در آذربایجان، که گنجه و بردع از اعمال آن است» (خلف تبریزی، ۱۳۱۹: ۴؛ خلف تبریزی، ۱۳۵۷: ۹۶). قاضی احمد قمی نیز در «خلاصه التواریخ» اران را تلویحاً از ولایات آذربایجان دانسته‌است: «امیرخان استدعای رفتن آذربایجان و تعهد نیک و بد آن ولایات، تا نواحی مغان و آران و ایروان و کردستان نمود.» (قمی، ۱۳۶۳: ۷۶۷)

۱۵ - بردعه / بردع و گنجه آذربایجان (در جمهوری آذربایجان)

در کتاب «گنج دانش» در مورد شهر «بردعه» آمده‌است: «بردعه دارالملک [پایتخت] آذربایجان است.» (حکیم، ۱۳۶۶: ۱۹۲) شمس‌الدین سامی گنجه، زادگاه نظامی گنجوی، را از شهرهای آذربایجان می‌شمارد: «قصبه گنجه آذربایجان» (سامی، ۱۶-

۱۶ - شهرهای شمال ارس در زمان قاجار جزء آذربایجان بودند.

محمود میرزای قاجار نویسنده کتاب «سفینه‌المحمود» در شمارش شهرهای شمال آذربایجان در زمان خویش، آنها را چنین می‌شمارد: «مملکت آذربایجان و تشخیص ولایت آن: اردوباد، نخجوان، ایروان، گنجه، قاراباغ، شکلی، شیروان، دربند، بادکوبه، تالش، بیلقان» (میرزای قاجار، ۱۳۴۴: ۶۵۶) با این وصف کل شهرهای جمهوری آذربایجان و پایتخت ارمنستان و شهر دربند فعلی داغستان روسیه در شمال ارس جز آذربایجان بوده است.

۱۷ - نظری کلی، طولی و عرضی به «جغرافیای تاریخی آذربایجان»

نویسنده «تاریخ بلعمی»، یا همان «گزیده ترجمه تاریخ طبری» در مورد حدود جغرافیای آذربایجان می‌نویسد: «و اول حد از همدان درگیرند و به ابهر و زنگان [زنجان] بیرون شوند و آخرش به دربند خزران [دمیرقاپی دربند در داغستان امروزی] و در این میان اندر، هر چه شهر که هست، همه را آذربایگان خوانند.» (بلعمی، ۱۳۹۰: ۳۳۵) یاقوت حموی نیز در کتاب مشهور خویش به نام «معجم البلدان» - که به سال ۶۲۳ تألیف کرده است - حد آذربایجان را از شرق بلاد دیلم و گیلان و از مغرب از زنجان [ارزنجان] می‌داند.

۱۸ - توابع سیاسی آذربایجان در دوره اتابکان آذربایجان

در زمان اتابکان، آذربایجان علاوه بر سرزمین‌های دو سوی ارس آذربایجان، اتابکان فارس، کرمان، خوزستان، اخلاط و موصل تابع اتابکان ترک آذربایجان بودند و حتی به نوشته «ابن اثیر»، اتابک جهان پهلوان «حاکم عراق، آذربایجان، الجبل [جبال] / ایران مرکزی، اری، اصفهان، همدان و دیگر ولایات بود.» (بنیادوف، ۸۰)

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کوتاه از جغرافیای تاریخی آذربایجان به این نتیجه می‌رسیم که سرزمین‌های تاریخی آذربایجان علاوه بر استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، شامل کل مناطق جمهوری آذربایجان در آن سوی رود ارس، سرزمین‌های فعلی استان‌های اردبیل، زنجان، قزوین، همدان، کردستان، بخش‌هایی از استان‌های تهران و گیلان، جمهوری گرجستان، جمهوری ارمنستان، بخش‌هایی از شرق جمهوری ترکیه، جمهوری عراق و جمهوری داغستان روسیه بوده است و پایتخت‌های ایران و ارمنستان و گرجستان در جغرافیای تاریخی آذربایجان قرار داشته‌اند.

منابع:

- بنیادوف، ضیا، (۱۳۸۳)، اتابکان آذربایجان، بنیادوف، ترجمه علی داشقین، نشر اختر، تبریز
- برهان قاطع، به تصحیح محمد عباسی، تهران
- محمدحسین بن خلف تبریزی، (۱۳۵۷)، برهان قاطع، تصحیح دکتر محمد معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران
- شیروانی، حاج زین العابدین، (۱۳۱۵)، بستان السیاحه، افسست از روی چاپ سنگی، از انتشارات کتابخانه سنائی، ئیلان ئیل سنه
- بلعمی، ابوعلی محمد، (۱۳۹۰)، تاریخ بلعمی، ابوعلی محمد بلعمی (وزیر معروف سامانیان)، مترجم: دکتر محمدجواد مشکور، نشر دنیای کتاب،
- احمد ابن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، (۱۳۷۱)، ترجمه محمدابراهیم آیتی، جلد اول، چاپ ششم، شرکت انتشاراتی علمی فرهنگی، تهران،
- ابن فقیه، (۱۳۴۹)، ترجمه مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، تهران،
- قلقشندی، (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی ایران (در قرن نهم هجری) برگرفته از کتاب قلقشندی صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، ترجمه محبوب الزوبری، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- صادق اووا، هجران، نقی اوف، محسن، (۱۹۸۹)، خریده العجایب، هجران صادق اووا، محسن نقی اوف، نشریه علم، باکو، ۱۹۸۹، صص ۸ - ۵ به نقل از ماهنامه سحر، سال اول، شماره ۹ و ۱۰ اسفند ۷۹ و فروردین ۸۰، صاحب امتیاز و مدیر مسئول [دکتر] محمد اسدی فانید، صفحه ۱۱
- حسینی القمی، قاضی احمد، (۱۳۶۳)، خلاصه التواریخ، به تصحیح دکتر احسان اشراقی، جلد دوم، تهران
- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۶، مرداد ۱۳۶۵، صفحه ۶ به نقل از: آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، بخش اول، رحیم رئیس نیا، انتشارات نیما، تبریز، زمستان ۱۳۶۸
- محمود میرزای قاجار، (۱۳۴۴) سفینه محمود، جلد دوم، دانشکده ادبیات، تبریز
- رامپوری، غیاث الدین، (فرهنگ غیاث اللغات، غیاث الدین رامپوری، به کوشش دبیر سیاقی، جلد اول، انتشارات کانون معرفت، ذیل ماده آران
- سامی، شمس الدین، (۱۳۰۶)، قاموس الاعلام، شمس الدین سامی، جلد ۶، استانبول، ۱۶ - ۱۳۰۶ هجری قمری
- حکیم، محمدتقی خان، (۱۳۶۶)، گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، محمدتقی خان حکیم، با مقدمه دکتر عبدالحسین نوایی، به اهتمام، دکتر محمدعلی صوتی - جمشید کیان فر، تهران،
- خوشنویس، علی، (۱۳۸۰)، محمدقولو خان افشار ارومی در تشکیل دولت فدرال ملی، علی خوشنویس [منشی دولت فدرال]، انتشارات آذرکهن، تهران
- مسعودی، (۱۳۰۳)، مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودی، چاپ مصر،
- مسعودی، (۱۳۷۴)، مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران